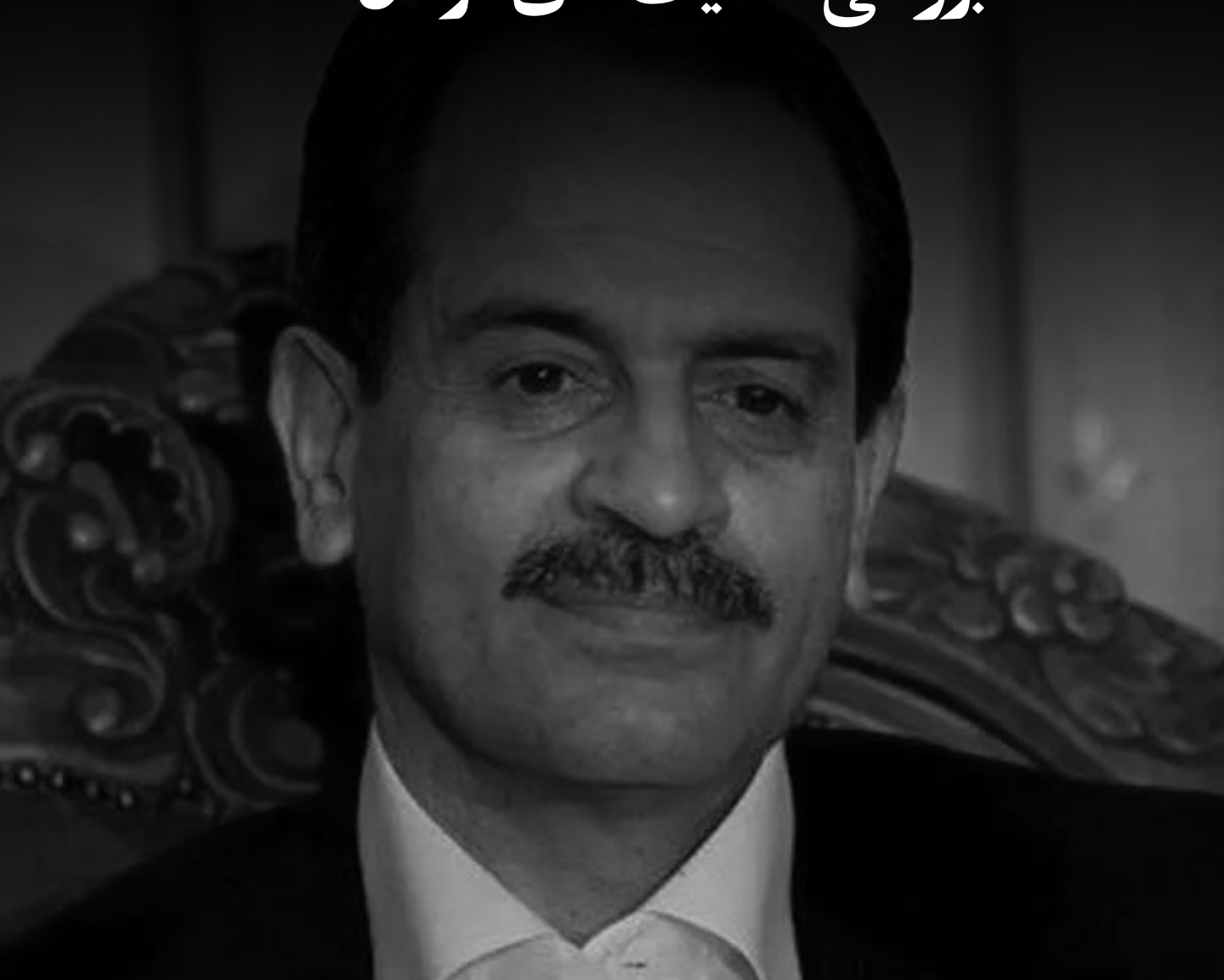


پرونده ویژه



بررسی فعالیت‌های عرفان حلقه



● عرفان حلقه؛ دام معنوی با نقاب درمان

عرفان در فرهنگ ما همواره پیوندی ناگسستنی با جست و جوی حقیقت و تعالی روحی داشته است. اما آنچه امروز با عنوان «عرفان حلقه» مطرح می‌شود، بیش از آنکه ادامه سنت اصیل عرفانی باشد، آمیزه‌ای از ادعاهای شبه علمی و شبه عرفانی است که با پوششی جذاب عرضه می‌گردد. بنیان‌گذار این جریان، محمد علی طاهری، با طرح مفاهیمی چون «شبکه شعور کیهانی» و «اتصال به منبع انرژی»، تلاش کرده است نوعی نظام معنوی - درمانی معرفی کند که در ظاهر ساده و کاربردی است، اما در عمل نه از پشتوانه معرفتی برخوردار است و نه با معیارهای علمی قابل تأیید.

در این میان، خطر اصلی در دو سطح بروز می‌یابد: نخست، فریب افرادی که با امید درمان بیماری یا یافتن معنای زندگی به این جریان جذب می‌شوند و گاه به بهای جان و سلامت خود هزینه سنگینی می‌پردازند. دوم، آسیب به چهره اصیل عرفان اسلامی که با آموزه‌های عمیق اخلاقی و معرفتی خود، هرگز ادعای درمان معجزه‌آسا یا ارتباط مستقیم با نیروهای ناشناخته نداشته است.

این شماره از پندار بر آن است تا با نگاهی انتقادی و مستند، به واکاوی ادعاها و آموزه‌های عرفان حلقه بپردازد؛ از بررسی مبانی فکری و اصطلاحات مبهم آن گرفته تا پیامدهای امنیتی، روانی و اجتماعی پیوستن به چنین جریانی. هدف ما در این شماره روشن ساختن نقاط ضعف و تناقض‌های بنیادین این پدیده است تا مخاطب بتواند با آگاهی و بصیرت، مرز میان حقیقت و توهم را تشخیص دهد.



● وقتی معنویت به ابزار سیاست بدل شد؛ واکنش‌های شبه‌عرفانی حلقه به جنگ ایران و اسرائیل

هواداران‌اش را به تجمع اعتراضی دعوت کرد که این تحریکات با مداخله نیروهای امنیتی ناکام ماند.

او با ادعاهایی مانند کنترل بلایای طبیعی، سعی در تقویت جایگاه خود در اپوزیسیون داشت، اما بیشتر به یک پدیده رسانه‌ای تبدیل شد.

این تحولات، اختلافات داخلی اپوزیسیون را نیز آشکار کرد؛ جایی که جریان طاهری خواستار جمهوری غیرسلطنتی شد و سلطنت‌طلبان این را ضدخواست مردم دانستند. به طور کلی، واکنش‌های جریان عرفان حلقه در زمان جنگ و پس از آن نه تنها نشانی از همبستگی با مردم ایران در برابر دشمن خارجی نداشت، بلکه با ادبیات سیاسی و تبلیغاتی تلاش کرد جنگ را ابزاری برای تقویت جایگاه خود در میان اپوزیسیون برون‌مرزی قرار دهد. این رفتارها، چه در قالب بیانیه‌های طاهری و چه در ادعاهای ولی‌پور، نشان‌دهنده بهره‌برداری فرصت‌طلبانه از شرایط جنگی برای تثبیت جایگاه و جلب توجه رسانه‌ای بود؛ مسیری که در نهایت بیش از هر چیز، وابستگی و آشفتگی این جریان‌ها را عیان ساخت.

در جریان جنگ دوازده‌روزه ایران و رژیم صهیونیستی و پس از آن، جریان عرفان حلقه و افراد مرتبط با آن، واکنش‌های عمدتاً سیاسی، تبلیغاتی و ضدحکومتی از خود نشان دادند. کانال «امانت طاهر» که توسط مصطفی الماسی و نسیم حبیبی اداره می‌شود، به جای محکوم کردن تجاوز اسرائیل، پیام رضا پهلوی را منتشر کرد و جنگ را به رهبر جمهوری اسلامی نسبت داد. این کانال حتی ترور رئیس سازمان اطلاعات سپاه توسط اسرائیل را «اثر هنری» نامید و نتانیاها را ستود.

محمدعلی طاهری، رهبر این جریان، دفاع ایران را جنگی تحمیلی جلوه داد و مسئولیت آن را به گردن جمهوری اسلامی انداخت. او با متهم کردن نظام به بی‌کفایتی و حذف نمادهای اسلامی از پرچم خود، سعی کرد خود را یک مخالف سکولار معرفی کند. طاهری پیش‌تر نیز حملات مقاومت فلسطین به اسرائیل را محکوم کرده و مواضعی همسو با رژیم صهیونیستی گرفته بود. او همچنین با انتشار «مانیفست رنسانس ایران آزاد»، خود را گزینه‌ای برای رهبری ایران پس از نظام فعلی معرفی کرد. مهدی ولی‌پور، یکی دیگر از چهره‌های این جریان، با انتشار اخبار جعلی و ادعاهایی مبنی بر توانایی‌های ماورایی،

● مرگ تدریجی یک فرقه؛ چرایی افول عرفان حلقه

اگر ایده ای را از جایی پیدا کرده سریع به اسم خود میزنند نام «عدم قطعیت طاهری» می گذارد حتی به اسم خود سازمان صلح تأسیس میکنند.

این خودشیفتگی ترحم برانگیز دیگر خریداری ندارد شاید شاگردان دیرین طاهری معنای مرکزیت عرفان حلقه را الان بهتر درک کنند مرکزیت یعنی خود طاهری.

محمد علی طاهری کل عرفان حلقه را بر محوریت خود بنا کرده بود همان که مدعی بود عرفانش انسان شمول است همان که به دنبال کمال بود نه قدرت اما خاست او در تفویض اختیارات به مریبان و تکتازی اش او را بیش از همیشه تنهاتر کرده و همچون ورشکستگان سیاسی اپوزسیون دنبال کسب اعتباری از دريوزگی سیاسی است.

افول و مرگ تدریجی فرقه حلقه عاقبت همه فرقه هایی هستند که با شعار و هیاهو شروع میشوند و با عمر کوتاهی با بدعاقبتی دچار چندپارگی، فروپاشی می شوند.

فرقه عرفان حلقه به رهبری محمد علی طاهری در اوایل دهه ۱۳۸۰ شکل گرفت. در مدت کوتاهی توانست توجه گروهی از پیروان را با ادعاهایی مانند درمان بیماری ها جلب کند.

در طول دو دهه فعالیت این جریان با شعارهای پرطمطراق مانند «حرکت از کثرت به وحدت»، «رسیدن به تن واحده» و تأکید بر «عرفان کمال»، و با نفی دیگر رویکردهای عرفانی که آن ها را «عرفان قدرت» می خواندند، توانستند با تکتازی جولان دهند.

اما با این حال، عمر این قلدرمآبی فرقه ای کوتاه بود و در یک روند افولی چالشهایی که از دل فرقه بیرون می آمد مهمترین برهان بر بطلان شد و باعث ریزش هواداران شد.

با تورق متون عرفان حلقه و ادعاهایی همچون انسان شمول بودن عرفان حلقه و پذیرش همه افراد، فارغ از مذهب و نژاد در مقایسه با عملکردهای اخیرشان همچون اختلاف ها، چندپارگی های فرقه ای، ناشکیبایی و عجز در نقد طرفداران و مریبان خودشان موجب شده دیگر کسی به طاهری لقب ابن عربی زمان ندهد اما در عوض طاهری برای جبران این خلأ و عقده تا جایی که میتواند نام خود را بر هر چیزی مینهد اگر پیجی می خواهد راه بیاندازد با عنوان «طاهری موومننت» راه اندازی می کند



محمد جواد نصیری

● معرفی مصداقی از انحراف درمداخلات درمانی پزشکی و سلامت معنوی

طاهری و پیروانش با تکیه بر نظریه شبکه شعور کیهانی - مفهومی که کارشناسان آن را فاقد تعریف دقیق علمی و ترکیبی از واژگان پوچ و البته بعضاً ارتباط با جن می‌دانند - مدعی درمان طیف وسیعی از بیماری‌های جسمی، روانی و حتی اعتیاد هستند. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که هیچ‌یک از روش‌های فرادرمانی و سایمنتولوژی تاکنون توسط وزارت بهداشت ایران یا نهادهای علمی معتبر تأیید نشده و حتی پلیس تهران این شیوه‌ها را نوعی رمالی مدرن توصیف کرده است. از منظر سلامت معنوی، اصالت و شفافیت در مسیر رشد و بهبود، از ارکان اصلی است. اما عرفان حلقه با ادعای اتصال به

در عصری که دغدغه‌های سلامت معنوی رو به افزایش است، رویکردهای نوظهور درمانی که مدعی پیوند با ابعاد فرامادی وجود هستند، گاهی مرزهای سلامت روان و جسم را به چالش می‌کشند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها در این زمینه، ادعاهای درمانی محمدعلی طاهری و فرقه عرفان حلقه است که با مفاهیمی چون فرادرمانی و سایمنتولوژی به عرصه مداخله در سلامت عمومی ورود کرده‌اند. این فرقه اخیراً با راه‌اندازی پویشی برای جمع‌آوری گزارش‌های درمانی مثبت، تلاش دارد تا مشروعیتی علمی و عمومی برای فعالیت‌های خود کسب کند؛ ادعایی که با اصول سلامت معنوی و یافته‌های علمی در تضاد عمیق است.

نیروهای ماورایی و القای باورهای خاص، نه تنها به شفافیت نمی‌رسد، بلکه بنا بر گزارش‌های انجمن نجات از حلقه، منجر به آسیب‌های جدی روانی همچون اختلالات دوقطبی، اسکیزوفرنی و توهم در میان مراجعین شده است. این دستکاری در حوزه ادراکات معنوی افراد، می‌تواند ساختار ذهنی و روانی آن‌ها را دچار تلاطم کرده و به جای تقویت سلامت معنوی، آن را به شدت تضعیف کند. سلامت معنوی، بر پایه معنا بخشی اصیل به زندگی و ارتباط سالم با جهان پیرامون استوار است، نه القائات مبهم و اتصالات ادعایی که به جای آرامش، پریشانی به بار می‌آورند.

همچنین طاهری ترک اعتیاد با استفاده از شبکه شعور است، این رویکرد نه تنها پشتوانه علمی ندارد، بلکه می‌تواند افراد معتاد را از مسیرهای درمانی استاندارد و مبتنی بر شواهد علمی محروم سازد. ترک اعتیاد یک فرآیند پیچیده پزشکی، روانشناختی، اجتماعی و معنوی صحیح است که نیازمند تخصص و متدهای درمانی تأیید شده است. اعتماد به فرادرمانی برای ترک اعتیاد، می‌تواند به وخامت حال بیماران و از دست رفتن زمان طلایی درمان منجر شود و این بیماران را در چرخه معیوب اعتیاد و آسیب‌های روانی حاصل از آن گرفتارتر کند.

علاوه بر این، تغییر نگرش و باورهای القاشده به اعضای فرقه، حتی در مواردی منجر به اختلافات خانوادگی شدید و طلاق شده است. سلامت معنوی واقعی، به معنای بهبود روابط انسانی و ایجاد تعادل در زندگی با خود، دیگران و خدا

است، نه تخریب بنیان خانواده و ایجاد شکاف بین افراد. این پیامدها، نشان از انحراف جدی عرفان حلقه از مسیر واقعی سلامت و رشد معنوی دارد.

عرفان حلقه، پویشی برای جمع‌آوری گزارش‌های درمانی از مراجعین خود، منتشر کرده که استراتژی خطرناکی بوده است. این روش اثبات اثرگذاری مداخله درمانی، فاقد متد علمی و کارآزمایی بالینی و... بوده که به هدف مشروعیت بخشی به درمانگری خود انجام می‌گیرد و در نتیجه بیماران را از درمان‌های استاندارد محروم کرده و به آسیب‌های روانی غیرقابل جبران می‌انجامد و در نهایت، به جای ارتقای سلامت معنوی، آن را به تباهی می‌کشانند.

نهادهای مسئول، از جمله وزارت بهداشت، سازمان‌های نظارتی و رسانه‌های ملی، وظیفه حیاتی دارند که بر فعالیت‌های زیرزمینی این فرقه در فضای مجازی و کلینیک‌های غیرمجاز نظارت دقیق داشته باشند. یکی از شگردهای اعضای این جریان حضور در بیمارستان و دعوت از بیماران لاعلاج و سخت‌علاج به آزمایش درمانی عرفان حلقه می‌باشد که از استیصال و عجز این افراد برای جذب به خود استفاده می‌کنند.

اطلاع‌رسانی گسترده‌ای درباره خطرات مداخلات این جریان، انجام دهند و از قربانیان سابق برای افشای تجربیات خود حمایت کنند. صیانت از سلامت جسمی، روانی و معنوی جامعه، مستلزم برخورد قاطع با چنین جریان‌هایی است که با ظاهری فریبنده، سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازند.

تقابل عرفان حلقه با باورهای شیعی

رد عصمت اهل بیت (علیهم السلام)، تضعیف جایگاه زیارت مشاهد مشرفه، و تعدی به اصول بنیادین توسل نمونه‌هایی از این تقابل آشکار هستند.

تعالیم عرفان حلقه به طور غیرمستقیم شباهت‌هایی را با اهداف جریان‌های انحرافی مانند وهابیت نشان می‌دهد، چرا که هر دو به نوعی از تخریب جایگاه ائمه معصومین (ع) پرداخته‌اند.

محمدعلی طاهری به صراحت تمام، عصمت اهل بیت علیهم السلام و زیارت مشاهد مشرفه را زیر سوال می‌برد و می‌گوید:

"کجا امامی فرموده است که عصمت دارد؟ آیا جایی گفته است؟ هرکسی قبول میکند که، انسان پرستی و سنگ پرستی خلاف عقل است."

همچنین با وقاحت تمام زیارت را برابر با شرک میدانند و می‌گویند: "زیارت قبور ائمه، کمک خواستن از مرده‌ها، برج و بارو، مصداق شرک است."

وقتی این سخنان انحرافی و ضاله طاهری را بررسی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که آموزه‌های عرفان حلقه و باورهای آن در تقابل جدی با اصول اعتقادی تشیع قرار دارد و مسیر عرفان حلقه، راهی متفاوت و ناهمسو با مسیر عرفانی و اصیل اسلامی است.

عرفان حلقه که به عنوان عرفان کیهانی نیز شناخته می‌شود، در زمره جریان‌هایی قرار دارد که با تلاش برای ترکیب آموزه‌های شرقی و نظریات غربی، به دنبال ساختار جدیدی در حوزه معنویت است. این مکتب، ظاهر خود را با اصطلاحات عرفان اسلامی و تصوف ایرانی جلوه می‌دهد؛ اما در باطن، حاوی تناقض‌های بنیادینی است که دین‌پژوهان و کارشناسان دینی را بر آن داشته تا ماهیت، اهداف و ادعاهای انحرافی آن را بررسی کنند.

یکی از موضوعات کلیدی در نقد عرفان حلقه، توجه به اثرات مخرب آموزه‌های محمدعلی طاهری بر باورهای اساسی اسلامی، به ویژه اعتقاد به امامت و توسل است.

امامت، به عنوان یکی از اصول ریشه‌دار در مذهب شیعه، نقشی محوری در شکل‌دهی به هویت دینی و اجتماعی پیروان شیعیان دارد. نه تنها اصل مسئله امامت از اصول اساسی مکتب شیعه است بلکه مفاهیم پیرامونی آن نظیر عصمت، شفاعت، توسل و زیارت اهل بیت سلام الله علیهم نیز با پشتوانه‌های روایی و قرآنی و عقلی به اثبات رسیده است. اما رویکرد عرفان حلقه و بنیان‌گذار آن، محمدعلی طاهری، به وضوح در تقابل با این اعتقادات قرار دارد.

محمد علی طاهری هماهنگ کننده اعتراضات در فضای مجازی

طاهری در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ به عنوان یکی از مخالفان فعال حاکمیت در فضای مجازی نقش آفرینی کرده بود.

وی همچنین در یک مورد، با انتشار بیانیه‌ای از مخاطبانش خواسته بود تا با انجام یک "توفان توییتری" به صورت همزمان، عملیات رسانه‌ای علیه اعدام‌ها در ایران را اجرا کنند. این فعالیت‌ها تلاشی برای هماهنگی و تمرین اعتراضات در فضای مجازی با هدف انجام اعتراضات خیابانی و ایجاد ناآرامی‌ها است.

تلاش محمد علی طاهری برای بازآرایی ارتش سایبری و بازیابی نقش سیاسی

طاهری، با انتشار دستورالعملی در کانال تلگرامی خود، از هوادارانش خواسته است تا با پیوستن به صفحات «محمد علی طاهری موومننت» در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق)، آموزش‌های لازم برای فعالیت‌های سایبری را دریافت کنند.

این اقدام نشان‌دهنده تلاش او برای بازسازی و سازماندهی مجدد ارتش سایبری خود است که در سال‌های گذشته نقش پررنگی در تبلیغات این فرقه ایفا کرده است.

طاهری در زمان فتنه «زن، زندگی، آزادی» «مانیفست رنسانس ایران آزاد» را منتشر کرده، به وضوح در پی احیای نقش سیاسی خود و قرار گرفتن در کانون اپوزیسیون ایران بود.

اختلاف محمد علی طاهری با اپوزیسیون مخالف ایران

محمد علی طاهری، بنیان‌گذار عرفان حلقه، پس از فرار از ایران، به اپوزیسیون جمهوری اسلامی پیوسته و حتی در شبکه ایران اینترنشنال به ترویج آموزه‌های خود پرداخته است. با وجود ژست صلح‌طلبانه، او رویکردی کاملاً سیاسی دارد و شبکه سازماندهی شده شاگردانش در ایران، پتانسیل ایجاد مشکلات امنیتی جدی را داراست. از این رو، رصد و مقابله با شبکه فعالان عرفان حلقه در داخل کشور ضروری است.

نام نشریه: هفته نامه سراب حقیقت موضوع: بررسی و نقد ادیان، فرق و جریان‌های انحرافی/ صاحب امتیاز: گروه فرهنگی تبلیغی سراب حقیقت/ مدیر مسئول: محمد جواد نصیری/ سردبیر: امین رضایی نژاد/ گرافیک: تیم رسانه‌ای سراب حقیقت/ هیئت تحریریه: اعضای گروه علمی اندیشکده پندار/ راه ارتباطی در پیام رسان ایتا: @raherahaei

آدرس سایت، تلویزیون اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی:

•sarabehaghighat.ir
•aparat.com/sarabehaghighat
•@sarabehaghighat